



The University of Tehran Press

Journal of Social Business

Vol. 2, No. 4, Winter 2025

Online ISSN: 3060-7213

Home Page: <https://jsbu.ut.ac.ir/>

Exploring the Role of Education in Promoting Social businesses to Support Working Children and Disadvantaged Students in South Khorasan Province in line with Social Responsibility

Nazanin Ghasemi* | Nasrin Ghasemi

- 1) Corresponding Author, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: ghasemi.n1991@gmail.com
- 2) Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: nasrin.ghasemi18@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received September 14, 2025

Revised October 11, 2025

Accepted December 11, 2025

Published online December 22, 2025

Keywords:

*Deprived Students,
Education,
Social Responsibility,
South Khorasan,
Working Children.*

ABSTRACT

This study aimed to analyze the role of the South Khorasan Education Department in promoting social businesses to support working children and underprivileged students. Employing a qualitative approach and grounded theory methodology, this applied research gathered data through semi-structured interviews and document analysis. Fourteen participants, including school administrators, teachers, university professors, and parents of underprivileged students, were selected via purposive sampling. The data were analyzed using a three-stage coding process (open, axial, and selective), and reliability was confirmed through inter-coder agreement, with a Cohen's Kappa coefficient of 0.73. Findings revealed that child labor stems from multidimensional economic, social, and cultural factors. Key contextual conditions driving this issue include structural poverty, deprivation of basic rights, and exposure to high-risk living environments. Systemic barriers were identified as resource and infrastructure limitations, governance weaknesses, and socio-cultural challenges. In response, comprehensive strategies were formulated across four domains: establishing monitoring and identification systems, providing basic needs and social support, developing educational infrastructure, and promoting family and community empowerment. All categories were integrated into a conceptual model, which posits that successful intervention requires an integrated approach. This approach must address structural causes while implementing holistic strategies to achieve multi-level outcomes that advance educational justice and sustainable development through the promotion of social businesses. The model underscores that addressing child labor necessitates a systemic, comprehensive strategy that concurrently tackles economic, social, cultural, and educational dimensions.

Cite this article: Ghasemi, N., Ghasemi, N. (2025). Exploring the Role of Education in Promoting Social businesses to Support Working Children and Disadvantaged Students in South Khorasan Province in line with Social Responsibility. *Journal of Social Business*, 2 (4), 453-470. <https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.402341.1067>



© Nazanin Ghasemi, Nasrin Ghasemi **Publisher:** University of Tehran Press.
<https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.402341.1067>



واکاوی نقش آموزش و پرورش در ترویج کسب و کارهای اجتماعی برای حمایت از کودکان کار و دانش آموزان محروم استان خراسان جنوبی در راستای مسئولیت اجتماعی

نازنین قاسمی* | نسرين قاسمی ID

- (۱) نویسنده مسئول، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: ghasemi.n1991@gmail.com
(۲) گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: nasrin.ghasemi18@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

کلیدواژه:

آموزش و پرورش،
خراسان جنوبی،
دانش آموزان محروم،
کودکان کار،
مسئولیت اجتماعی.

این پژوهش با هدف واکاوی نقش آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی در ترویج کسب و کارهای اجتماعی برای حمایت از کودکان کار و دانش آموزان محروم انجام شد. مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، کیفی بود و با روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۴ نفر از مدیران، معلمان، استادان دانشگاه و والدین دانش آموزان محروم بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مطالعه اسناد و با استفاده از روش کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. پایایی داده‌ها از طریق توافق درون موضوعی دو کدگذار با درصد توافق ۰/۷۳ مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد پدیده کودک کار در عوامل چندبعدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد. مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری این معضل شامل فقر ساختاری، محرومیت از حقوق اساسی و زیست در محیط‌های پرخطر بود. در مقابل، موانع سیستماتیک در قالب محدودیت منابع و زیرساخت‌ها، ضعف در حکمرانی و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی شناسایی شد. راهبردهای جامع در چهار حوزه ایجاد سیستم پایش، تأمین نیازهای پایه، توسعه زیرساخت آموزشی و توانمندسازی خانواده طراحی شد. تمام مقولات در یک مدل مفهومی سازمان یافتند. مداخله موفق در مسئله کودکان کار مستلزم رویکردی یکپارچه است که از یک سو به ریشه‌یابی علل ساختاری می‌پردازد و از سوی دیگر، با اجرای راهبردهای جامع، به تحقق پیامدهای چندسطحی در راستای عدالت تربیتی و توسعه پایدار از طریق ترویج کسب و کارهای اجتماعی منجر می‌شود. این مدل نشان می‌دهد حل مسئله کودکان کار تنها از طریق رویکردی سیستمی و همه‌جانبه‌نگر خواهد بود.

استناد: قاسمی؛ نازنین، قاسمی؛ نسرين (۱۴۰۴). واکاوی نقش آموزش و پرورش در ترویج کسب و کارهای اجتماعی برای حمایت از کودکان کار و دانش آموزان محروم استان خراسان جنوبی در راستای مسئولیت اجتماعی. کسب و کار اجتماعی، ۲ (۴)، ۴۷۰-۴۵۳. <https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.402341.1067>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نازنین قاسمی، نسرين قاسمی

<https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.402341.1067>



۱. مقدمه

در عصر حاضر نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با این حقیقت انکارناپذیر مواجه شده‌اند که مسئولیت‌های آنان فراتر از انتقال دانش و مهارت‌های تحصیلی صرف بوده و نقش اجتماعی عمیق‌تری را در قبال جامعه و به‌ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار آن ایفا می‌کنند (Unesco, 2022). این تحول پارادایمی، آموزش و پرورش را به‌مثابه نهادی اجتماعی بازتعریف می‌کند که موظف است در شناسایی، پیشگیری و کاهش مسائل و آسیب‌های اجتماعی نقشی فعال و پیشرو داشته باشد (Ali et al., 2021). طی چند دهه اخیر، ارزش‌های فرهنگی تازه‌ای در نتیجه حصول آگاهی از به‌هم‌وابسته بودن سازمان‌ها، جامعه و محیط به عرصه ظهور رسیده است (گودرزی و حسینی شکرابی، ۲۰۲۱) که آن را مسئولیت اجتماعی می‌گویند از نظر اجتماعی مسئول بودن یعنی انسان‌ها و سازمان‌ها باید با اخلاق و حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و محیطی رفتار کنند.

در این میان، کسب و کارهای اجتماعی^۱ به‌عنوان رویکردی نوآورانه در حوزه مسئولیت اجتماعی سازمانی ظهور یافته‌اند که با تلفیق اهداف اجتماعی و اقتصادی، به دنبال حل مسائل اجتماعی با استفاده از مکانیسم‌های بازار هستند (Yunus, 2010). این نوع کسب و کارها با تمرکز بر حل معضلات اجتماعی، به‌ویژه در مناطق محروم، می‌توانند نقش مهمی در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله کودکان کار و دانش‌آموزان محروم ایفا کنند. کسب و کارهای اجتماعی به مدل‌های تجاری اطلاق می‌شوند که با هدف حل مسائل اجتماعی یا محیطی و نه صرفاً کسب سود حداکثری، طراحی شده‌اند. بر اساس تعریف محمد یونس، برنده جایزه نوبل صلح و بنیانگذار گرامین بانک، کسب و کار اجتماعی شرکتی است که برای حل یک مشکل اجتماعی ایجاد و سود حاصل از آن صرف گسترش فعالیت‌های اجتماعی یا بهبود زیرساخت‌ها می‌شود (Yunus, 2010). این نوع کسب و کارها در قالب شرکت‌های سهامی یا تعاونی فعالیت می‌کنند و تمرکز اصلی آنها بر تأثیرگذاری اجتماعی پایدار است.

بر این اساس مفهوم مسئولیت اجتماعی آموزش و پرورش به‌عنوان چارچوبی نظری ظهور یافته که بر مبنای آن، این نهاد متعهد می‌شود با رویکردی فراتر از الزامات قانونی، در جهت توسعه متوازن و عادلانه تمامی اجزای جامعه گام بردارد (Smith & Davis, 2022). مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها^۲ به‌عنوان یک پارادایم اساسی در مدیریت نوین کسب و کار، تحول عمیقی در نگرش سنتی به نقش سازمان‌ها در جامعه ایجاد کرده است. این مفهوم که ابتدا یک فعالیت داوطلبانه و حاشیه‌ای تلقی می‌شد، امروزه به جزء لاینفک استراتژی‌های کسب و کار تبدیل شده است.

پدیده کودکان کار و دانش‌آموزان محروم به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی اجتماعی در قرن حاضر، توجه اندیشمندان، سیاست‌گذاران و نهادهای بین‌المللی را به خود جلب کرده است. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار^۳ (۲۰۲۱)، حدود ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان درگیر کار کودک هستند که تقریباً نیمی از آنها در مشاغل خطرناک مشغول کارند. این در حالی است که بر اساس آمار صندوق کودکان سازمان ملل^۴ (۲۰۲۲)، بیش از ۲۵۸ میلیون کودک و نوجوان در جهان از دسترسی به آموزش محروم‌اند. در ایران نیز بر اساس پژوهش مرکز آمار ایران (۲۰۲۳)، حدود ۹ درصد کودکان ۱۰ تا ۱۷ ساله درگیر کار کودک هستند که این آمار در استان‌های محرومی همچون خراسان جنوبی به‌مراتب بالاتر است.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد پدیده کودکان کار ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. فقر اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز این پدیده شناخته می‌شود. بر اساس پژوهش عباسی‌کلیمانی و همکاران (۲۰۲۳)، بیش از ۸۰ درصد کودکان کار ایرانی به‌دلیل فقر اقتصادی خانواده‌ها مجبور به ترک تحصیل و ورود به بازار کار شده‌اند. این مسئله در استان‌های مرزی و محروم همچون خراسان جنوبی که با نرخ بیکاری بالا و درآمد سرانه پایین مواجه هستند، شدت بیشتری دارد. از سوی دیگر، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز سهم قابل‌توجهی در تداوم این پدیده دارند.

در ایران برنامه‌های متعددی برای مقابله با این پدیده طراحی و اجرا شده است. طرح «شوق رفتن به مدرسه» که با همکاری وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی اجرا می‌شود، یکی از این برنامه‌ها است. بر اساس گزارش وزارت آموزش و پرورش

^۱ Social Businesses^۲ Corporate Social Responsibility (CSR)^۳ ILO^۴ UNICEF

(۲۰۲۱) این طرح توانسته است در سال گذشته تحصیلی، بازگشت به مدرسه بیش از ۱۵۰۰۰ کودک بازمانده از تحصیل را فراهم کند. نقش آموزش و پرورش در ایفای مسئولیت اجتماعی نسبت به این کودکان بسیار حائز اهمیت است.

استان خراسان جنوبی به عنوان یکی از مناطق محروم ایران، با شاخص‌های پایین توسعه انسانی، نرخ بالای بیکاری، خشکسالی‌های متمادی و کمبود شدید زیرساخت‌های رفاهی، بستری آسیب‌پذیر برای گسترش پدیده کودکان کار و محروم فراهم کرده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۲۰۲۳)، ساختار متمرکز، کمبود شدید بودجه، حجم بالای دستورالعمل‌های اداری و نگاه سنتی به مأموریت آموزش و پرورش به عنوان نهادی صرفاً آموزشی از جمله موانع پیش رو است (کاوه‌پیشه و همکاران، ۲۰۲۳).

در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعات متعددی به بررسی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها پرداخته‌اند، اما پژوهشی که به صورت جامع به تبیین نقش آموزش و پرورش به عنوان نهاد اصلی مسئول در این زمینه بپردازد، به‌ویژه در بافت مناطق محرومی مانند خراسان جنوبی، کمتر مشاهده شده است. رحیمی و تقی‌زاده (۲۰۲۴) با مطالعه‌ای در مورد نقش سازمان‌ها و اسناد بین‌المللی در حمایت از کودکان کار نشان دادند تلاش‌های فعالان حقوق کودک در قالب کنوانسیون‌ها و معاهدات ملی و فراملی تجلی یافته است که ماحصل آن تدوین موادی در حمایت از کودکان کار در اسناد مختلف است. صفی‌زاده و همکاران (۲۰۲۵) با مطالعه‌ای در مورد شناسایی و اولویت‌بندی عوامل شکل‌دهنده یادگیری سازمانی با رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان تأمین اجتماعی شهر مشهد دریافتند حرکت به سمت مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب خوشنامی و اعتماد ذی‌نفعان به سازمان می‌شود.

با وجود حجم قابل توجه مطالعات در حوزه مسئولیت اجتماعی و پژوهش‌های متعدد درباره کودکان کار، شکاف آشکاری در تبیین نقش نهاد آموزش و پرورش به عنوان بازیگر اصلی در ترویج کسب و کارهای اجتماعی برای حمایت از این کودکان وجود دارد، به‌ویژه در بافت خاص استان خراسان جنوبی که با محرومیت‌های اقتصادی، چالش‌های محیطی و کمبود زیرساخت‌های آموزشی مواجه است، هیچ مطالعه جامعی به واکاوی ظرفیت‌های درونی این نهاد برای ایجاد تغییرات پایدار از طریق مدل‌های کسب و کار اجتماعی نپرداخته است. این پژوهش با هدف کلی واکاوی نقش آموزش و پرورش در ترویج کسب و کارهای اجتماعی برای حمایت از کودکان کار و دانش‌آموزان محروم انجام می‌شود. نوآوری آن در تمرکز همزمان بر کسب و کارهای اجتماعی به عنوان راهکاری نوین و نهاد آموزش و پرورش به عنوان بازیگری کلیدی است، رویکردی که در ادبیات موجود کمتر بدان پرداخته شده است. در حالی که مطالعات پیشین به‌طور عمده به بررسی کلیات پدیده کودکان کار یا نقش سازمان‌های مردمی پرداخته است، این تحقیق با نگاهی راهبردی، پتانسیل‌های درونی نظام آموزش و پرورش را برای ایجاد تغییرات پایدار از طریق خلق و ترویج مدل‌های اقتصادی - اجتماعی بررسی می‌کند. افزون بر این، تمرکز جغرافیایی بر استان خراسان جنوبی به عنوان یک منطقه کمتر توسعه‌یافته، امکان ارائه تحلیلی عمیق را فراهم می‌سازد. مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش که بر اساس یافته‌ها در این بافت خاص طراحی خواهد شد، درصدد است که شکاف میان مأموریت‌های اجتماعی آموزش و پرورش و ظرفیت‌های عملیاتی آن را پر کند و الگویی اجرایی برای سایر مناطق با شرایط مشابه ارائه دهد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

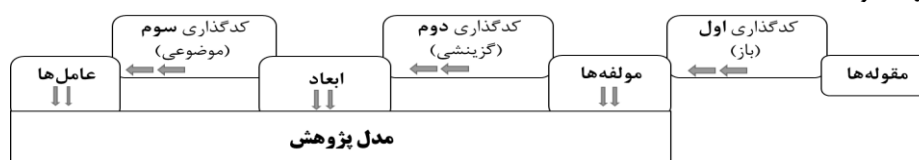
روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی است. این پژوهش بر اساس تئوری زمینه‌ای^۱ و رویکرد اشتراک و کوربین به شکل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته شکل گرفت و مشارکت‌کنندگان در این پژوهش متناسب با هدف و چارچوب پژوهش برای بخش کیفی انتخاب شدند. به‌طور مشخص میدان تحقیق شامل دو جامعه انسانی (مدیران آموزش پرورش، معلمان، اساتید دانشگاه و والدین دانش‌آموزان محروم و کودکان کار) و جامعه اطلاعاتی (منابع علمی، اسنادی و کتابخانه‌ای) بود. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت بر مبنای اشباع نظری (۱۴ نفر و ۴۵ سند) شامل ۳۹ مقاله علمی - پژوهشی موجود در پایگاه‌های داده معتبر علمی و اسناد مراکز آمار، بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش، دو گزارش بین‌المللی و یک پایان‌نامه مرتبط با موضوع به‌منظور آشنایی با وضع موجود و شکاف پژوهشی و عملی به روش هدفمند و در دسترس انتخاب و نظرخواهی شد (جدول ۱). به همین علت ابتدا از طریق مطالعه اسناد چارچوب اولیه مصاحبه به‌دست آمد و سپس نمونه آماری دعوت‌شده به مصاحبه بر اساس معیارهایی مانند سابقه حرفه‌ای و تخصص متناسب گزینش و تا رسیدن به اشباع نظری، مورد نظرخواهی قرار گرفت.

^۱ Grounded Theory

جدول ۱. معرفی مشارکت کنندگان

نوع جامعه	گروه مطالعه	روش نمونه‌گیری	نمونه
جامعه انسانی	مدیران آموزش پرورش	هدفمند و در دسترس	۳ نفر
	معلمان	هدفمند و در دسترس	۳ نفر
	اساتید دانشگاه	هدفمند و در دسترس	۴ نفر
	والدین دانش‌آموزان محروم و کودکان کار	هدفمند و در دسترس	۴ نفر
جامعه اطلاعاتی	مقاله علمی پژوهشی	نظری از نوع قضاوتی و هدفمند	۳۹ نسخه
	اسناد کتابخانه‌ای (کتاب، پایان‌نامه، طرح پژوهشی)	نظری از نوع قضاوتی و هدفمند	۶ نسخه

در بخش میدانی با استفاده از مصاحبه اکتشافی نیمه هدایت‌شده (از متخصصان) به واکاوی نقش آموزش و پرورش در ایفای مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار و دانش‌آموزان محروم خراسان جنوبی در سه ماه اول سال ۱۴۰۴ پرداخته شد، به‌طوری که محققان پس از هر مصاحبه به جمع‌بندی لازم رسیدند و اقدام به مصاحبه بعدی کردند. برای تحلیل یافته‌ها از سه مرحله کدگذاری (کدگذاری باز، گزینشی و موضوعی) برای دسته‌بندی مؤلفه‌های شناسایی‌شده استفاده شد (به نقل از نظریان و همکاران، ۲۰۲۱). کدگذاری با استفاده از مطالعات قبلی و نظر متخصصان انجام شد. مدل پژوهش نیز بر اساس روابط شناسایی‌شده به‌صورت یک چارچوب سیستمی مفهومی ترسیم شد. تحلیل یافته‌ها از طریق روش‌های چارچوب‌بندی و کدگذاری مفهومی بر مبنای تحلیل سیستماتیک صورت گرفت.



شکل ۱. مراحل کدگذاری (دانایی‌فرد و امامی، ۲۰۰۷)

شایان ذکر است به جهت جنبه نو بودن تحقیق و محدودیت احتمالی داده‌ها، از رویکرد مثلث‌سازی استفاده شده است. مثلث‌سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق اطلاق می‌شود (Skinner et al., 2014). با توجه به کاربرد شیوه مثلث‌سازی (استفاده از منابع چندگانه شامل منابع کتابخانه‌ای، گروه کانونی با کارشناسان و مصاحبه با متخصصان) در این تحقیق از موارد منابع متنوع به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و علاوه بر این، در پژوهش حاضر برای سنجش روایی معیارهای اسکینر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) به کار رفت (جدول ۲).

جدول ۲. روش‌های اطمینان از روایی

روش‌ها	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری در طول انجام تحقیق (به مدت دو ماه)	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت کنندگان
بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به‌دست‌آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط محقق و یک همکار پژوهشی (محقق پسادکتری مدیریت)
چک کردن مثلث‌سازی	بررسی اطلاعات به‌دست‌آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نتایج
مقایسه مستمر	استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها
	مقایسه داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به‌صورت مستمر در تمام طول تحقیق

پس از شروع جمع‌آوری مصاحبه‌ها، بلافاصله بعد از پایان هر مصاحبه (هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه) موارد گفته‌شده تجزیه و تحلیل (کدگذاری مفهومی یا اولیه) و با اخذ بازخورد از هر مصاحبه، محور مصاحبه‌های بعدی اصلاح شد. به عبارت دیگر، مسیر اجرای تحقیق بازطراحی شد. در نهایت پس از انجام ۱۲ مصاحبه عمیق، اشباع نظری به‌دست آمد و به‌منظور بالا بردن اعتماد

¹ Skinner

به نتایج پژوهش، تعداد ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام و در این مرحله اشیاع نظری در بعد مقوله‌های به‌دست آمده از کدهای مفهومی نیز حاصل شد. مؤلفه‌های شناسایی شده در مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ها پس از غربال در چند مرحله، در نهایت شامل ۵۴ مورد بود که در نهایت پس از انجام مراحل کدگذاری به ۴۱ مقوله دسته‌بندی شد (جدول ۴).

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک متخصص مدیریت که در مراحل انجام پژوهش حضور داشت و از آگاهی مناسبی در خصوص این پژوهش برخوردار بود، درخواست شد به‌عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. سپس محققان به همراه همکار، به‌عنوان نمونه ۳ مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند و درصد توافق درون موضوعی محاسبه شد. تعداد کل کدهایی که به ثبت رسیده معادل ۴۱ کد و تعداد کل توافقی‌های بین کدها معادل ۱۹ است، همچنین پایایی بین کدگذاران برای سه مصاحبه انتخاب شده به‌عنوان نمونه در این پژوهش معادل ۷۳ درصد است، از این رو با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید بود و می‌توان گفت میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است (جدول ۳).

شایان ذکر است میزان پایایی کدگذاری از فرمول زیر به‌دست می‌آید.

$$100 \times (\text{تعداد کل کدها}) / (2 \times \text{تعداد توافقات}) = \text{درصد توافق}$$

جدول ۳. محاسبه پایایی یافته‌ها

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	کدهای مورد توافق	عدم توافق	پایایی
۱	۱	۱۶	۶	۲	۰/۷۵
۲	۷	۱۳	۵	۱	۰/۷۷
۳	۱۴	۱۲	۴	۳	۰/۶۶
جمع		۴۱	۱۵	۶	۰/۷۳

۳. یافته‌های پژوهش

در ادامه به نمونه‌هایی از نقل قول‌ها و مقوله‌های برآمده از دل آنها اشاره می‌شود.

جدول ۴. کدگذاری باز برگرفته از مصاحبه‌ها

مقوله	مقوله ۱: شرایط فعلی کودکان کار و محروم ۱۹۲ مورد (۲۷٪)	مقوله ۲: موانع و چالش‌های پیش رو ۱۸۷ مورد (۲۶٪)	مقوله ۳: راهبردها و اقدامات لازم ۲۳۴ مورد (۳۳٪)	مقوله ۴: پیامدهای مورد انتظار ۹۷ مورد (۱۴٪)
نقل قول	پدر یکی از کودکان: دخترم بعضی روزها به جای شام، نان خشک می‌خورد. خودم بیکار و مریضم و تنها درآمد خانواده، همون مبلغ ناچیزیه که از دستفروشی میاره.	مدیر: برای خرید یک دستگاه ویدئوپروژکتور ساده برای کل مدرسه، سه ساله که درخواست دادیم، اما همیشه پاسخ اینه: بودجه نیست.	استاد دانشگاه: پیشنهاد می‌کنیم یک «پرونده سلامت اجتماعی» برای هر دانش‌آموز از بدو ورود به دبستان تشکیل بشه تا بتوانیم مداخلات را به‌موقع آغاز کنیم.	معلم: با اجرای این طرح‌ها، ما دیگر شاهد این نخواهیم بود که کودکان به‌خاطر خرید یک جفت کفش جدید مجبور به ترک مدرسه شوند.
کدگذاری باز	۱. فقر اقتصادی شدید خانواده‌ها (۴۴)	۱۱. کمبود بودجه و منابع مالی (۳۸)	۲۱. ایجاد سیستم شناسایی و رصد کودکان محروم (۳۲)	۳۱. کاهش نرخ ترک تحصیل (۱۹)
نقل قول	معلم: وقتی از (...) دانش‌آموزم پرسیدم صبحانه چه خوردی، گفت: «چای شیرین خالی». جای تأسف داره.	مدیر: در مدرسه‌ای که من مدیر آن هستم، ۲۵۰ دانش‌آموز داریم اما تنها ۹ سرویس بهداشتی فرسوده که اغلب گرفتگی دارند.	مدیر: اگر بتوانیم یک «بنیاد خیریه تغذیه مدارس» در سطح استان ایجاد کنیم، نخستین گام عملی و ملموس برای جلب اعتماد کودکان و خانواده‌هاشون برداشته شده است.	مدیر: هدف ما این است که در دو سال آینده، آمار کم‌خونی و سوءتغذیه را بین دانش‌آموزان مدرسه خودمون که تو منطقه محروم هم هست به صفر برسونیم.
کدگذاری باز	۲. محرومیت از تغذیه مناسب (۲۹)	۱۲. ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی (۳۴)	۲۲. تأمین نیازهای اولیه غذایی و بهداشتی (۳۷)	۳۲. بهبود شاخص‌های سلامت و تغذیه (۱۵)

نقل قول	مدیر: کتاب‌های قدیمی مدرسه رو به بچه‌هایی میدم که کم‌درآمدند، اما پر از اشتباه چاپی و قلم‌خوردگی و... هستش و ما حتی آزمایشگاه نداریم تا دانش‌آموزا یک بار هم که شده تجربه علمی مستقیم داشته باشند.	معلم: من معلم دینی هستم، اما به اجبار جای مشاور هم کار می‌کنم چون مشاور نداریم. همیشه میگم، اعتراف می‌کنم تخصص کافی تو این زمینه ندارم.	استاد دانشگاه: نیاز به ساخت خانه‌های کودک در محله‌ها داریم که علاوه بر آموزش، خدمات حمایتی، غذایی و بهداشتی را به‌طور متمرکز ارائه دهند.	استاد دانشگاه: تصور کنید کودکی در دورترین روستای استان بتونه با بهره‌مندی از معلمان مجرب و امکانات روز، استعدادهای خود را شکوفا کند که کم هم نیستند کودکان مستعد در روستاها.
کدگذاری باز	۳. محرومیت از دسترسی به آموزش باکیفیت (۲۴)	۱۳. کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده (۳۱)	۲۳. توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پرورشی (۳۳)	۳۳. افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت (۱۷)
نقل قول	پدر یکی از کودکان: دندان‌های دخترم به‌خاطر عدم رسیدگی پوسیده است. هزینه درمان آن از درآمد چند ماه خانواده بیشتر است.	مدیر: ما تو مدرسه فهرستی از کودکان نیازمند به کمک فوری تهیه کردیم، اما هیچ نهاد دیگری پاسخگو نیست.	مدیر: معلمان ما نیاز به دوره‌های آموزشی ویژه روان‌شناسی کودک محروم دارند تا بتوانند علائم هشدار را تشخیص داده و واکنش درست نشان بدهند.	پدر یکی از کودکان: وقتی بچه‌ها تو مدرسه و محیطی امن باشند، دیگر جذب باند‌های خلافکار یا معتادان (که متأسفانه تو استان ما کم هم نیستند) نمیشن.
کدگذاری باز	۴. محرومیت از خدمات بهداشتی و درمانی (۲۲)	۱۴. ضعف در هماهنگی بین‌دستگاهی (۲۸)	۲۴. آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی (۲۹)	۳۴. کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱۲)
نقل قول	معلم: پسر ۱۲ ساله‌ای رو می‌شناسم تو کارگاه تراشکاری کار می‌کنه. چندی پیش یکی از انگشتاش آسیب‌دیده بود و نمیتونست خودکار دستش بگیره.	استاد دانشگاه: اقدامات ما همیشه مقطعی و احساسی هستش. مثلاً در یک مناسبت خاص به کودکان کمک می‌شود، اما برنامه بلندمدت و سیستماتیک برای حمایت از آنان وجود نداره.	استاد دانشگاه: ایده آل اگه بخوایم نگاه کنیم میتونیم برای کودکانی که مجبور به کار هستند، مدارس شیفتی یا کلاس‌های آخر هفته طراحی کنیم تا بتونند هم کار کنند و هم درس بخوانند.	استاد دانشگاه: دانش‌آموزانی که مهارت نه گفتن، حل تعارض و مدیریت هیجان را یاد می‌گیرند، در بزرگسالی شهروندان مسئولیت‌پذیرتری خواهند شد.
کدگذاری باز	۵. درگیری در کارهای سخت و خطرناک (۲۱)	۱۵. نبود برنامه مدون و یکپارچه (۲۴)	۲۵. اجرای برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر (۲۶)	۳۵. بهبود مهارت‌های زندگی و اجتماعی (۱۰)
نقل قول	معلم: بعضی از این بچه‌ها غم‌های بزرگی دارن. یکی بهم گفت کاش حداقل کسی بود که فقط به حرفام گوش می‌داد.	استاد دانشگاه: متأسفانه تو بعضی از روستاها برخی خانواده‌ها ارزش را در کار کردن بچه‌ها می‌بینند نه تو سوادش.	مدیر: استقرار یک اتاق امن در هر مدرسه با حضور دائمی یک مددکار یا مشاور، می‌تونه پناهگاهی برای این کودکان باشه.	مدیر: وقتی به یک کودک محروم فرصت داده شود که در یک کارگاه مهارتی موفق شود، آن نگاه از پایین به بالا تبدیل به نگاهی از سر اطمینان و غرور می‌شود.
کدگذاری باز	۶. محرومیت از حمایت‌های روانی - اجتماعی (۱۸)	۱۶. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی (۲۱)	۲۶. ارائه خدمات مشاوره و روان‌درمانی (۲۳)	۳۶. افزایش خودباوری و اعتمادبه‌نفس (۵)
نقل قول	معلم: (...) بهم گفت تا به حال یک بار هم سینما یا موزه نرفتم. تنها ورزشی که می‌کنم، دویدن دنبال مردم تو بازار برای فروش وسایلم هستش. تو دویدن خیلی قوی اما...	مدیر: بعضی دانش‌آموزان روستایی ما باید روزانه چند کیلومتر پیاده‌روی کنند تا به مدرسه برسند. در روزهای سرد، اساساً امکان حضور ندارند.	استاد دانشگاه: ایده ما تشکیل کمیته‌های محلی حمایت از کودک متشکل از معتمدین محل، خیرین و اولیای مدرسه برای پاسخگویی سریع به نیازها است.	مادر یکی از کودکان: مدرسه نباید بی‌خیال باشه. وقتی والدین ببینند مدرسه به بهبود زندگی اونا کمک می‌کنه، تبدیل به بزرگ‌ترین حامیان مدرسه میشن.
کدگذاری باز	۷. عدم دسترسی به امکانات فرهنگی و ورزشی (۱۶)	۱۷. مشکلات جغرافیایی و پراکندگی جمعیت (۱۱)	۲۷. ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی (۲۱)	۳۷. تقویت پیوند مدرسه و جامعه (۴)
نقل قول	مدیر: از یک دانش‌آموز شنیدم که می‌گفت خونه ما یک اتاق بدون پنجره تو دستجرد هستش.	مدیر: ما تنها زمانی از ترک تحصیل یک کودک مطلع می‌شویم که دیگر چند هفته است	استاد دانشگاه: آموزش و پرورش باید با اداره کل ورزش و جوانان و	استاد دانشگاه: ما باید به سمتی حرکت کنیم که کد پستی یک

بعضی شبا صدای دعوا میاد و من می ترسم.	به مدرسه نیامده. سیستم هشدار سریعی برای شناسایی به موقع این کودکان که مشکلات جدی دارند وجود نداره.	بهریستی برای حمایت های روانی، اجتماعی تفاهم نامه عملیاتی امضا کند.	کودک، تعیین کننده کیفیت آموزش و آینده او نباشه.
۸. زندگی در محیط های ناامن و حاشیه ای (۱۰)	۱۸. نبود سیستم شناسایی و پایش دقیق (۱۳)	۲۸. توسعه مشارکت های بین بخشی (۱۹)	۳۸. کاهش نابرابری های آموزشی (۵)
معلم: یکی از دخترا می گفت مادرم که رفت، بعدش بابا هم مریض شد، دیگر فرصتی برای بازی نداشتم. مسئولیت خرید و غذا درست کردن افتاد گردنم داداش کوچکم و که نگم...	استاد دانشگاه: سعی کردیم از افراد متمول برای کمک به یک صندوق قرض الحسنه یکی از مدارس دعوت کنیم، اما استقبال نکردند. مشکلات اقتصادی در جامعه ما نهاده شده است.	معلم: به جای کمک نقدی صرف، بهتر است به مادران یا کودکان مهارت های تولیدی کوچک مانند صنایع دستی آموزش داده شود تا منبع درآمد پایدار داشته باشند.	مدیر: این کودکان، پزشکان، مهندسان و معلمان آینده استان هستند. سرمایه گذاری روی آنان، در واقع سرمایه گذاری برای توسعه پایدار خراسان جنوبی است
۹. محرومیت از حقوق اولیه کودکی (۴)	۱۹. ضعف در مشارکت گیری جامعه محلی (۹)	۲۹. اجرای برنامه های توانمندسازی خانواده ها (۱۷)	۳۹. توسعه سرمایه انسانی (۳)
پدر یکی از کودکان: بعضی از همکلاسی های کلاس زبان و موسیقی می رند، اما رؤیای من اینه که بچم مسیر طولانی خانه تا مدرسه رو پیاده نره.	استاد دانشگاه: قوانین موجود برای حمایت از کودکان کار پراکنده است و ضمانت اجرایی کافی ندارند.	استاد دانشگاه: تصور کنید یک پایگاه خدمات اجتماعی در هر محله داشته باشیم که همه خدمات آموزشی، بهداشتی، مشاوره و مهارت آموزی را یکجا ارائه بده، وضعیتمون چقدر خوب میشه.	استاد دانشگاه: ما باید در برخورد با بچه ها عدالت داشته باشیم؛ عدالت تربیتی یعنی هر کودک به اندازه استعداد و علاقه اش امکان رشد پیدا کنه، نه به اندازه توان مالی خانواده اش.
۱۰. عدم برخورداری از فرصت های برابر (۴)	۲۰. نبود سازوکارهای قانونی مناسب (۹)	۳۰. ایجاد مراکز جامع خدمات رسانی (۱۵)	۴۰. تقویت عدالت تربیتی (۴)
معلم: موفقیت ما را باید با خنده این کودکان سنجید، نه فقط آمار و ارقام. وقتی کودکی دوباره می خندد، یعنی زندگی او در مسیر درستی قرار گرفته است.			
کدگذاری باز			۴۱. بهبود کیفیت زندگی کودکان (۳)

به طور کلی می توان گفت تحلیل مصاحبه های عمیق با ۱۴ مشارکت کننده، تصویری غنی و چندبعدی از مسئله کودکان کار در استان خراسان جنوبی ارائه داد. داده ها نه تنها ابعاد مختلف این پدیده را روشن ساخت، بلکه راهکارهای عملیاتی برای مداخله مؤثر را نیز پیشنهاد کرد. ابتدا یکی از مواردی که نهادهای حاکمیتی باید در آن ورود کنند تا وضعیت این کودکان بحرانی تر نشود: شرایط هشداردهنده کودکان کار: چرخه معیوب محرومیت است، مصاحبه ها نشان داد کودکان کار در استان در یک چرخه معیوب محرومیت گرفتار شده اند. در یک مصاحبه پدری با چشمانی اشک آلود شرح می دهد: «دخترم بعضی روزها به جای شام، نان خشک می خوره. خودم بیکار و مریضم و تنها درآمد خانواده، همون مبلغ ناچیزیه که از دستفروشی میاره». این فقر اقتصادی شدید، به صورت مستقیم به محرومیت از نیازهای اولیه منجر می شود. در یک مصاحبه دیگر معلمی با نگرانی توضیح می دهد: «وقتی از دانش آموزم پرسیدم صبحانه چه خوردی، گفت: جای شیرین خالی. جای تأسف داره». به گمان پژوهشگر این شرایط، کودکان را به سمت کارهای خطرناک سوق می دهد. در تأیید این گمان، در مصاحبه ای دیگر معلمی از موردی بسیار دردناک و هشداردهنده گزارش می دهد: «پسر ۱۲ ساله ای در کارگاه تراشکاری کار می کند، چندی پیش یکی از انگشتانش آسیب دید و دیگر نمی توانست حتی خودکار دستش بگیرد». چنین محیط های پرخطری، حقوق اولیه کودکی را نقض می کند که می تواند حتی به نقص عضو یک کودک

بینجامد. در یک مصاحبه بسیار متأثرکننده دانش‌آموزی با حسرت می‌گوید: «تا به حال یک بار هم یک فیلم در سینما ندیده یا موزه‌ای را از نزدیک ندیده‌ام و تنها ورزشی که بلدم، دویدن دنبال سبد خرید مردم در بازار است تا برای کمک به عنوان باربر پولی دربیآورم یا وسایلی را که دارم بفروشم».

در موردی دیگر که به نظر می‌رسد نهادهای قانون‌گذار باید ورود کنند موانع ساختاری: دیوار بلند ناکارآمدی است؛ در برابر این شرایط بحرانی، سیستم آموزشی با موانع متعددی روبه‌رو است، به‌طوری که در مصاحبه‌ای مدیر مدرسه‌ای با افسوس بیان می‌کند: «برای خرید یک دستگاه ویدئوپروژکتور ساده، سه سال است که درخواست داده‌ایم، اما پاسخ همیشه این است: بودجه نیست»، یا معلم دیگری از کمبود نیروی متخصص می‌گوید: «من معلم دینی هستم، اما به اجبار جای مشاور هم کار می‌کنم. اعتراف می‌کنم تخصص کافی در این زمینه ندارم». ضعف در هماهنگی بین دستگاهی نیز به عنوان یک مانع اصلی شناسایی شد. مدیر مدرسه‌ای توضیح می‌دهد: «ما در مدرسه فهرستی از کودکان نیازمند تهیه کرده‌ایم، اما هیچ نهاد دیگری پاسخگو نیست. هر سازمانی فقط کار خودش را می‌کند»، اما راهبردهای امیدبخش: نقش پیشگیرانه آموزش و پرورش؛ در برابر این چالش‌ها، مشارکت‌کنندگان راهبردهای متعددی پیشنهاد دادند. برای نمونه در یک مصاحبه استاد دانشگاهی بر لزوم سیستم پایش تأکید می‌کند: «پیشنهاد می‌کنم پرونده سلامت اجتماعی برای هر دانش‌آموز از بدو ورود تشکیل شود تا مداخلات به‌موقع آغاز شود»، یا مدیر مدرسه‌ای راهکاری عملیاتی ارائه می‌دهد: «اگر بتوانیم بنیاد خیریه تغذیه مدارس ایجاد کنیم، اولین گام عملی برای جلب اعتماد کودکان و خانواده‌ها برداشته شده است»، یا معلم با سابقه‌ای در یک مصاحبه از ضرورت برنامه‌های انعطاف‌پذیر می‌گوید: «برای کودکانی که مجبور به کار هستند، می‌توان مدارس شیفتی یا کلاس‌های آخر هفته طراحی کرد»، یا در مصاحبه‌ای دیگر بر اهمیت حمایت روانی تأکید شده است: «استقرار اتاق امن در هر مدرسه با حضور مددکار، می‌تواند پناهگاهی برای این کودکان باشد».

و در پایان چشم‌اندازی برای آینده: پیامدهای تحول‌آفرین: اجرای این راهبردها می‌تواند به پیامدهای مثبت متعددی منجر شود. برای مثال معلمی با امیدواری بیان می‌کند: «با اجرای این طرح‌ها، دیگر شاهد نخواهیم بود که کودکان به‌خاطر خرید یک جفت کفش جدید مجبور به ترک مدرسه شوند»، یا پدری از کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌گوید: «وقتی بچه‌ها در مدرسه و محیطی امن باشند، دیگر جذب باندهای بزهکاری نمی‌شوند»، همچنین استاد دانشگاهی چشم‌انداز کلان‌تری ترسیم می‌کند: «ما باید به سمتی حرکت کنیم که کد پستی یک کودک، تعیین‌کننده کیفیت آموزش و آینده او نباشد» این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه مسئله کودکان کار در خراسان جنوبی پیچیده و چندبعدی است، اما با راهبردهای نظام‌مند و مشارکت همه‌جانبه، می‌توان این چرخه معیوب محرومیت را شکست و آینده‌ای روشن برای این کودکان ساخت.

بر اساس تحلیل و بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان تحقیق (شامل والدین، معلمان، مدیران و اساتید دانشگاه)، کدهای باز استخراج‌شده در چهار مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. در ادامه، شرح تفصیلی هر مقوله و ارتباط درونی اجزای آن ارائه می‌شود:

مقوله ۱: شرایط فعلی کودکان کار و محروم

این مقوله به توصیف ابعاد چندگانه و پیچیده محرومیتی می‌پردازد که کودکان هدف این پژوهش با آن دست به‌گریبان‌اند. داده‌ها حاکی از آن است که این محرومیت، پدیده‌ای تک‌بعدی نبوده و به‌صورت چرخه‌ای معیوب، جنبه‌های مختلف زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار داده است. در هسته این چرخه، فقر اقتصادی شدید خانواده‌ها (کد ۱) قرار دارد که به‌عنوان عاملی بنیادین به سایر اشکال محرومیت دامن می‌زند. این فقر، به‌طور مستقیم به محرومیت از تغذیه مناسب (کد ۲) و محرومیت از خدمات بهداشتی و درمانی (کد ۴) منجر می‌شود، به‌گونه‌ای که کودکان حتی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زیستی خود نیز ناتوان هستند.

این شرایط دشوار اقتصادی، کودکان را به سمت درگیری در کارهای سخت و خطرناک (کد ۵) سوق می‌دهد. این امر نه تنها حقوق کودکی آنان (کد ۹) را نقض می‌کند، بلکه به‌طور مستقیم دسترسی آنان به آموزش باکیفیت (کد ۳) و امکانات فرهنگی و ورزشی (کد ۷) را محدود می‌سازد. پیامد این فرایند، ایجاد حس عدم برخورداری از فرصت‌های برابر (کد ۱۰) در میان این کودکان است. از سوی دیگر، زندگی در محیط‌های ناامن و حاشیه‌ای (کد ۸) و مواجهه مستمر با فشارهای ناشی از فقر و کار، نیاز مبرم به

حمایت‌های روانی - اجتماعی (کد ۶) را ایجاد می‌کند که اغلب پاسخ داده نمی‌شود. در مجموع این مقوله نشان می‌دهد این کودکان در یک شبکه درهم‌تنیده از محرومیت‌ها اسیر شده‌اند که رهایی از آن بدون مداخله هدفمند و چندبُعدی تقریباً غیرممکن است.

مقوله ۲: موانع و چالش‌های پیش‌رو

این مقوله، موانع ساختاری و زمینه‌ای را شناسایی می‌کند که سیستم‌های حامی (به‌ویژه آموزش و پرورش) را از ارائه خدمات مؤثر بازمی‌دارد. این موانع در سه سطح قابل دسته‌بندی‌اند:

موانع درون‌سازمانی: این دسته شامل کمبودهای داخلی نظام آموزش و پرورش می‌شود، از جمله کمبود بودجه و منابع مالی (کد ۱۱) ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی (کد ۱۲) و کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده (کد ۱۳). این کمبودها، توانایی مدرسه را برای ایفای نقش معمول خود، چه رسد به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی پیچیده‌تر، به شدت محدود می‌کند.

موانع برون‌سازمانی: این بخش به چالش‌های هماهنگی با محیط بیرون می‌پردازد. ضعف در هماهنگی بین‌دستگاهی (کد ۱۴) و نبود سازوکارهای قانونی مناسب (کد ۲۰) نشان می‌دهد رویکردی جزیره‌ای و فاقد چارچوب قانونی جامع بر حوزه حمایت از کودکان حاکم است. از سوی دیگر، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی (کد ۱۶) مانند نگاه کوتاه‌مدت خانواده‌ها به اقتصاد و عدم اولویت‌دهی به آموزش و ضعف در مشارکت‌گیری جامعه محلی (کد ۱۹)، بستر اجتماعی لازم برای حمایت همه‌جانبه را تضعیف می‌کند.

موانع برنامه‌ای و فنی: نبود یک نقشه راه مشخص، از نبود برنامه مدون و یکپارچه (کد ۱۵) تا نبود سیستم شناسایی و پایش دقیق (کد ۱۸)، سبب شده است اقدام‌های موجود مقطعی و واکنشی باشند، همچنین مشکلات جغرافیایی و پراکندگی جمعیت (کد ۱۷) به عنوان یک مانع عینی، دسترسی به خدمات را برای گروهی از کودکان دشوارتر ساخته است. در واقع این موانع در کنار یکدیگر، یک دیواره بلند مقاومتی در برابر هرگونه تغییر پایدار ایجاد کرده‌اند.

مقوله ۳: راهبردها و اقدامات لازم

در برابر شرایط پیچیده و موانع متعدد، مشارکت‌کنندگان راهکارهایی را در چهار سطح پیشنهاد داده‌اند که نشان از ضرورت یک رویکرد سیستماتیک و چندسطحی دارد:

راهبردهای پایه و فوری: این راهبردها بر تأمین نیازهای اولیه و ایجاد سیستم‌های شناسایی متمرکزند. تأمین نیازهای اولیه غذایی و بهداشتی (کد ۲۲) به عنوان اقدامی فوری و اعتمادساز و ایجاد سیستم شناسایی و رصد کودکان محروم (کد ۲۱) به عنوان پیش‌نیاز هرگونه مداخله هدفمند مطرح شده‌اند.

راهبردهای توسعه‌ای و زیرساختی: این بخش به ارتقای کیفیت خدمات و محیط یادگیری می‌پردازد. توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پرورشی (کد ۲۳)، آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی (کد ۲۴) و ایجاد مراکز جامع خدمات‌رسانی (کد ۳۰) از جمله این راهبردها هستند که ایجاد ظرفیت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را دنبال می‌کنند.

راهبردهای حمایتی - ترویجی: این دسته از راهبردها به ارائه خدمات تخصصی و جلب مشارکت‌ها توجه دارد. ارائه خدمات مشاوره و روان‌درمانی (کد ۲۶)، اجرای برنامه‌های توانمندسازی خانواده‌ها (کد ۲۹) و ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی (کد ۲۷) در این حوزه قرار می‌گیرند و هدف آنان تقویت پشتیبانی روانی و اجتماعی از کودک و خانواده است.

راهبردهای کلان و سیاستگذاری: این راهبردها به اصلاحات در سطح کلان نظر دارند. توسعه مشارکت‌های بین‌بخشی (کد ۲۸) و اجرای برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر (کد ۲۵) نمونه‌هایی از این دست هستند که برای ایجاد هماهنگی بین نهادها و تطبیق خدمات با شرایط واقعی کودکان طراحی شده‌اند. این راهبردها در مجموع یک مدل جامع حمایتی - توانمندساز را پیشنهاد می‌دهند.

مقوله ۴: پیامدهای مورد انتظار

این مقوله تصویری از آینده مطلوب و نتایجی را ترسیم می‌کند که در صورت اجرای موفق راهبردها قابل‌دستیابی است. این پیامدها در زنجیره‌ای منطقی از نتایج کوتاه‌مدت تا بلندمدت قرار می‌گیرند:

پیامدهای مستقیم و کوتاه مدت: این نتایج مستقیماً از اقدامهای حمایتی ناشی می شوند. کاهش نرخ ترک تحصیل (کد ۳۱) و بهبود شاخصهای سلامت و تغذیه (کد ۳۲) از جمله اولین و ملموس ترین دستاوردها خواهند بود که خود بسترساز نتایج بعدی هستند.

پیامدهای میانی و توسعه ای: با تثبیت شرایط کودکان، شاهد ارتقای شاخصهای کیفی تر خواهیم بود. افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت (کد ۳۳)، کاهش آسیبهای اجتماعی (کد ۳۴)، بهبود مهارت های زندگی و اجتماعی (کد ۳۵) و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس (کد ۳۶) در این دسته قرار می گیرند که به توانمندسازی فردی کودکان اشاره دارند.

پیامدهای نهایی و تحول آفرین: این نتایج آثار تحولی مداخلات در سطح کلان تر هستند. تقویت پیوند مدرسه و جامعه (کد ۳۷)، کاهش نابرابری های آموزشی (کد ۳۸) و تقویت عدالت تربیتی (کد ۴۰) به اصلاح رابطه نهاد آموزش با جامعه و توزیع عادلانه تر فرصت ها می پردازند. در نهایت این فرایند به توسعه سرمایه انسانی (کد ۳۹) و بهبود کیفیت زندگی کودکان (کد ۴۱) به عنوان غایت نهایی تمامی تلاش ها منجر خواهد شد. این مقوله نشان می دهد سرمایه گذاری در این حوزه، نه یک هزینه، بلکه سرمایه گذاری برای توسعه پایدار استان است.

تحلیل جامع یافته ها نشان داد روایت های عمیقاً انسانی از چرخه معیوب محرومیت بود که همچون تاروپودی به هم تنیده، کودکان کار استان خراسان جنوبی را در خود اسیر کرده است. به عنوان تجربه زیسته پژوهشگر در طول این پژوهش دریافت شد که فقر اقتصادی تنها یک مفهوم آماری نیست، بلکه واقعیتی ملموس در زندگی روزمره این کودکان است، هنگامی که پدری با چشمانی اشک آلود شرح می داد چگونه بیماری و بیکاری او، دخترش را به دستفروشی در خیابان ها وادار کرده، به وضوح نشان داد که چگونه فقر ساختاری به محرومیت از تغذیه مناسب و سپس به درگیری در کارهای خطرناک منجر می شود. این تنها یک زنجیره خطی نبود، بلکه شبکه ای درهم تنیده از عوامل بود که معلمی با نگرانی آن را توصیف می کرد، وقتی از دانش آموزی نقل می کرد که صبحانه اش تنها چای شیرین خالی بود و سپس همان کودک به دلیل خستگی ناشی از کار، در کلاس درس به خواب می رفت. از سوی دیگر، شواهد تجربی به وضوح نشان می داد موانع سیستماتیک چگونه همچون دیواری بلند، هرگونه مداخله مؤثر را بی اثر می کند. وقتی مدیر مدرسه ای از سه سال انتظار برای یک ویدئوپروژکتور ساده سخن می گفت، یا وقتی معلمی اعتراف می کرد که ناچار است بدون تخصص کافی، نقش مشاور را نیز ایفا کند، عمق شکاف بین مأموریت اجتماعی آموزش و پرورش و ظرفیت های عملیاتی آن به عینه قابل مشاهده بود. در میان این شرایط دشوار، راهبردهای پیشنهادی مشارکت کنندگان تحقیق در صورت تحقق همچون نقاط امید درخشان می درخشیدند؛ از ایده تشکیل پرونده سلامت اجتماعی که توسط استاد دانشگاهی با شور و حرارت مطرح شد تا پیشنهاد مدارس شیفی مختص کودکان کار از سوی معلمی که سال ها شاهد ترک تحصیل این کودکان بوده است. آنچه این راهبردها را ویژه می ساخت، نه تنها عملی بودن آنها، بلکه نشأت گرفتن از دل تجربیات زیسته مشارکت کنندگان بود. در نهایت تحلیل این داده ها نشان داد حل مسئله کودکان کار، نیازمند عبور از نگاه تک بعدی و اتخاذ رویکردی نظام مند است که همزمان به ریشه های اقتصادی، موانع ساختاری و راهکارهای عملیاتی بپردازد و به گمان پژوهشگر این امر میسر نیست مگر با اتحاد استراتژیک و همکاری راهبردی سازمان های درگیر و تمام نهادهای قانون گذار و نهادهای حاکمیتی. در ادامه به مفاهیم و مقوله های به دست آمده از نتایج پژوهش پرداخته می شود (جدول ۵).

جدول ۵. کدگذاری مفاهیم (سطح دوم) و مقوله محوری (سطح سوم)

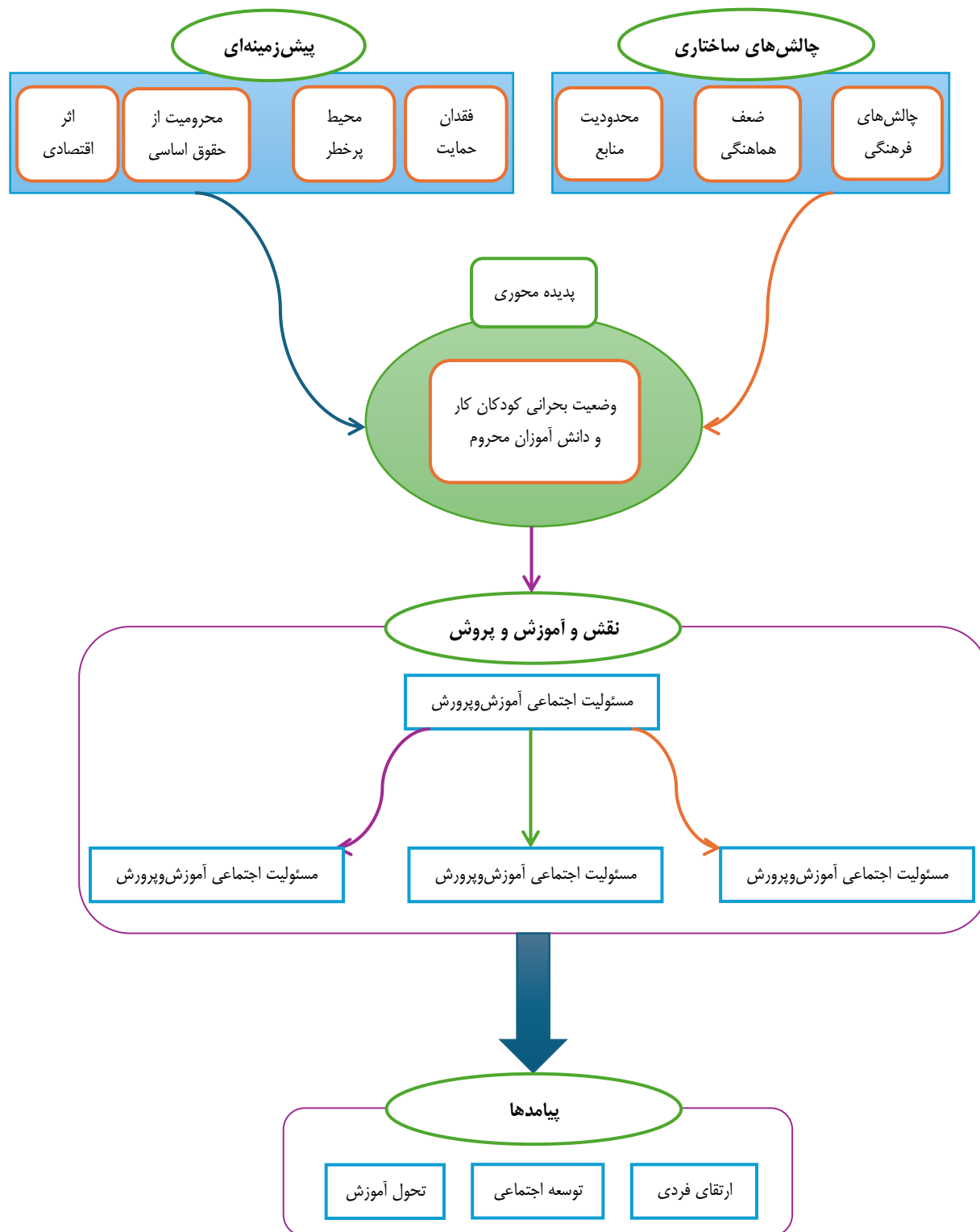
کد اولیه (سطح اول)	مفاهیم (سطح دوم)	مقوله محوری (سطح سوم)
۱. فقر اقتصادی شدید خانواده ها	فقر و محرومیت ساختاری	
۱۰. عدم برخورداری از فرصت های برابر		
۲. محرومیت از تغذیه مناسب	محرومیت از حقوق اساسی	علل و بسترهای پیدایش پدیده
۳. محرومیت از دسترسی به آموزش باکیفیت		
۴. محرومیت از خدمات بهداشتی و درمانی		
۹. محرومیت از حقوق اولیه کودکی	زیست در محیط پرخطر	
۵. درگیری در کارهای سخت و خطرناک		
۸. زندگی در محیط های ناامن و حاشیه ای		

۶. محرومیت از حمایت‌های روانی - اجتماعی	۷. عدم دسترسی به امکانات فرهنگی و ورزشی	محرومیت از حمایت‌های اجتماعی
۱۱. کمبود بودجه و منابع مالی	۱۲. ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی	محدودیت منابع و زیرساخت
۱۳. کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده	۱۷. مشکلات جغرافیایی و پراکندگی جمعیت	
۱۴. ضعف در هماهنگی بین‌دستگاهی	۱۵. نبود برنامه مدون و یکپارچه	موانع سیستماتیک مداخله
۱۸. نبود سیستم شناسایی و پایش دقیق	۲۰. نبود سازوکارهای قانونی مناسب	ضعف در حکمرانی و هماهنگی
۱۶. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی	۱۹. ضعف در مشارکت‌گیری جامعه محلی	چالش‌های فرهنگی - اجتماعی
۲۱. ایجاد سیستم شناسایی و رصد کودکان محروم	۲۲. تأمین نیازهای اولیه غذایی و بهداشتی	ایجاد سیستم پایش و شناسایی
۲۶. ارائه خدمات مشاوره و روان‌درمانی	۲۷. ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی	تأمین نیازهای پایه و حمایت اجتماعی
۳۰. ایجاد مراکز جامع خدمات‌رسانی	۳۳. توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پرورشی	راهبردهای جامع مداخله
۲۴. آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی	۲۵. اجرای برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر	توسعه و بهبود زیرساخت آموزشی
۲۸. توسعه مشارکت‌های بین‌بخشی	۲۹. اجرای برنامه‌های توانمندسازی خانواده‌ها	توانمندسازی خانواده و جامعه
۳۲. بهبود شاخص‌های سلامت و تغذیه	۳۱. کاهش نرخ ترک تحصیل	ارتقای شاخص‌های سلامت و رفاه
۴۱. بهبود کیفیت زندگی کودکان	۳۳. افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت	تحول در نظام آموزشی
۴۰. تقویت عدالت تربیتی	۳۸. کاهش نابرابری‌های آموزشی	پیامدهای مورد انتظار
۳۴. کاهش آسیب‌های اجتماعی	۳۵. بهبود مهارت‌های زندگی و اجتماعی	
۳۶. افزایش خودباوری و اعتمادبه‌نفس	۳۹. توسعه سرمایه انسانی	کاهش آسیب‌های اجتماعی و توسعه سرمایه انسانی
۳۷. تقویت پیوند مدرسه و جامعه	تقویت انسجام اجتماعی	

در مجموع ۴۱ کد اولیه استخراج شد که در فرایند کدگذاری محوری در قالب ۱۰ مقوله مفهومی و ۴ مقوله محوری سازمان‌دهی شدند و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مقوله‌های چهارگانه شناسایی‌شده، روابط علی - معلولی معناداری وجود دارد که در قالب یک مدل نظام‌مند قابل تبیین است. مقوله شرایط فعلی با مؤلفه‌های محوری چون فقر اقتصادی شدید (۴۴ تکرار) و محرومیت از آموزش باکیفیت (۲۴ تکرار)، به‌عنوان شرایط علی زمینه‌ساز عمل می‌کند. این شرایط به‌طور مستقیم مقوله موانع و چالش‌ها را تقویت می‌کند، به‌گونه‌ای که کمبود بودجه (۳۸ تکرار) و ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی (۳۴ تکرار) امکان مداخله مؤثر را محدود ساخته است. در این میانه، مقوله راهبردها و اقدامات لازم به‌عنوان استراتژی هسته‌ای پژوهش عمل می‌کند که به‌طور مستقیم متأثر از دو مقوله پیشین بوده و پاسخی هدفمند به آنها محسوب می‌شود. برای مثال راهبرد تأمین نیازهای اولیه غذایی و بهداشتی (۳۷ تکرار) پاسخی مستقیم به فقر اقتصادی شدید خانواده‌ها (۴۴ تکرار) و محرومیت از تغذیه مناسب (۲۹ تکرار) است. به‌طور هم‌زمان، راهبرد توسعه زیرساخت‌های آموزشی و پرورشی (۳۳ تکرار) پاسخی است به ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی (۳۴ تکرار) و کمبود نیروی انسانی متخصص (۳۱ تکرار). اجرای موفق این راهبردها در نهایت به محقق شدن مقوله پیامدهای مورد انتظار منجر خواهد شد. به‌طور مشخص، راهبردهای تأمین نیازهای اولیه و اجرای برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر

(۲۶ تکرار) به طور مستقیم بر کاهش نرخ ترک تحصیل (۱۹ تکرار) و بهبود شاخص های سلامت و تغذیه (۱۵ تکرار) تأثیر خواهند گذاشت.

با توجه به کدگذاری های صورت گرفته، مدل مفهومی نقش آموزش و پرورش در ایفای مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار و دانش آموزان محروم خراسان جنوبی (شیوه اشتراوس و کوربین) به شرح زیر است:



شکل ۲. مدل مفهومی نقش آموزش و پرورش در ایفای مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار و دانش آموزان محروم

بر اساس تحلیل عمیق داده‌های کیفی، کدهای اولیه سازماندهی و به‌صورت مدلی مفهومی ارائه شدند که نتایج تحلیل آن به شرح زیر است:

(۱) علل و بسترهای پیدایش پدیده: این مقوله محوری به ریشه‌ها و شرایط زمینه‌ساز مسئله کودکان کار می‌پردازد که در چهار مفهوم کلیدی تجلی یافته است: (الف) فقر و محرومیت ساختاری: ترکیبی از کدهای فقر اقتصادی و نابرابری فرصت‌ها که هسته اصلی چرخه معیوب محرومیت را تشکیل می‌دهد. (ب) محرومیت از حقوق اساسی: شامل محرومیت از آموزش، بهداشت و حقوق اولیه کودکی که پیامد مستقیم فقر ساختاری است. (ج) زیست در محیط پرخطر: دربرگیرنده کارهای سخت و زندگی در محیط‌های ناامن که هم علت و هم معلول محرومیت هستند. (د) محرومیت از حمایت‌های اجتماعی: فقدان پشتیبانی روانی - اجتماعی و محرومیت از امکانات فرهنگی که به حاشیه‌نشینی بیشتر این کودکان دامن می‌زند.

(۲) موانع سیستماتیک مداخله: این مقوله چالش‌های ساختاری را شناسایی می‌کند که نظام حمایتی را در ارائه خدمات مؤثر ناتوان ساخته است: (الف) محدودیت منابع و زیرساخت: کمبود بودجه، نیروی انسانی متخصص و مشکلات جغرافیایی که توان مداخله را محدود می‌کند. (ب) ضعف در حکمرانی و هماهنگی: نبود برنامه یکپارچه، ضعف هماهنگی بین‌دستگاهی و نبود سیستم پایش دقیق که به اقدامات مقطعی و ناکارآمد منجر می‌شود. (ج) چالش‌های فرهنگی - اجتماعی: موانع فرهنگی و عدم مشارکت جامعه محلی که بستر لازم برای اجرای برنامه‌ها را تضعیف می‌کند.

(۳) راهبردهای جامع مداخله: این مقوله محوری، راهکارهای نظام‌مند برای مواجهه با مسئله را ارائه می‌دهد: (الف) ایجاد سیستم پایش و شناسایی: بنیان هرگونه مداخله هدفمند با شناسایی به‌موقع کودکان نیازمند، (ب) تأمین نیازهای پایه و حمایت اجتماعی: ارائه خدمات غذایی، بهداشتی، مشاوره‌ای و ایجاد شبکه‌های حمایتی، (ج) توسعه و بهبود زیرساخت آموزشی: ارتقای کمی و کیفی محیط‌های یادگیری و توانمندسازی نیروی انسانی، (د) توانمندسازی خانواده و جامعه: تقویت مشارکت‌های بین‌بخشی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی.

(۴) پیامدهای مورد انتظار: این مقوله، دستاوردهای پیش‌بینی‌شده از اجرای موفق راهبردها را ترسیم می‌کند: (الف) ارتقای شاخص‌های سلامت و رفاه: بهبود سلامت، تغذیه و کیفیت زندگی به‌عنوان پیامدهای مستقیم، (ب) تحول در نظام آموزشی: کاهش ترک تحصیل، افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت و تقویت عدالت تربیتی، (ج) کاهش آسیب‌های اجتماعی و توسعه سرمایه انسانی: بهبود مهارت‌های زندگی، افزایش خودباوری و توسعه سرمایه انسانی، (د) تقویت انسجام اجتماعی: تحکیم پیوند مدرسه و جامعه به‌عنوان پیامد نهایی.

اما هسته مرکزی پژوهش که مدل مفهومی نقش آموزش و پرورش در ایفای مسئولیت اجتماعی نسبت به کودکان کار و دانش‌آموزان محروم است نشان می‌دهد تمامی مقولات در یک مدل مفهومی حول این هسته مرکزی سازمان یافته‌اند: مداخله موفق در مسئله کودکان کار مستلزم رویکردی یکپارچه است که از یک سو به ریشه‌یابی علل ساختاری و شناخت موانع سیستماتیک می‌پردازد و از سوی دیگر، با اجرای راهبردهای جامع در ابعاد مختلف، به تحقق پیامدهای چندسطحی در راستای عدالت تربیتی و توسعه پایدار منجر می‌شود. این مدل نشان می‌دهد حل مسئله کودکان کار، تنها از طریق رویکردی سیستمی و همه‌جانبه‌نگر که همزمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌پردازد، میسر خواهد بود.

موارد بالا به‌وضوح نشان می‌دهد بیشترین تمرکز مشارکت‌کنندگان (۳۳ درصد) بر ارائه راهبردها و اقدام‌های عملی بوده که بیانگر دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان برای یافتن راه‌حل‌های کاربردی است. مقوله‌های شرایط فعلی (۲۷ درصد) و موانع پیش‌رو (۲۶ درصد) تقریباً وزن یکسانی داشته و نشان از اهمیت توأمان شناخت مسئله و چالش‌های پیش‌رو دارد. مقوله پیامدهای مورد انتظار با (۱۴ درصد) کمترین سهم را به خود اختصاص داده که منطبق با ماهیت پژوهش کیفی حاضر است تمرکز اصلی آن بر تحلیل وضع موجود و ارائه راهکار بوده است. این توزیع آماری به‌روشنی نشان می‌دهد مسئله کودکان کار در استان خراسان جنوبی نیازمند مداخله‌ای نظام‌مند است که همزمان به ریشه‌یابی علل، شناخت موانع و طراحی راهبردهای عملیاتی بپردازد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مدل مفهومی حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظریه مسئولیت اجتماعی نهادی و مبتنی بر دیدگاه سیستمی طراحی شده است که نقش آموزش و پرورش را در قبال کودکان کار و دانش‌آموزان محروم تبیین می‌کند. این مدل از بستر زمینه‌ای آغاز می‌شود که شامل علل ریشه‌ای مسئله است. بر اساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل (۲۰۲۳) فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل بازماندگی کودکان از تحصیل محسوب می‌شود، همراه با محرومیت از حقوق اساسی مطابق پیمان‌نامه حقوق کودک، زندگی در محیط‌های پرخطر که بر اساس مطالعات سازمان جهانی بهداشت^۱ (۲۰۲۱) تأثیر مستقیمی بر ترک تحصیل دارد و فقدان حمایت اجتماعی که بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام^۲ (۲۰۰۰) به تشدید محرومیت منجر می‌شود. این عوامل در کنار چالش‌های ساختاری عمل می‌کنند که شامل محدودیت منابع (محمدی، ۲۰۱۹)، ضعف هماهنگی بین‌دستگاهی (عباسی و همکاران، ۲۰۲۴) و چالش‌های فرهنگی بوده که در نهایت پدیده محوری یعنی وضعیت بحرانی کودکان کار و دانش‌آموزان محروم را شکل می‌دهند.

در حالی که صندوق کودکان سازمان ملل (۲۰۲۲) به‌طور کلی بر فقر به‌عنوان عامل اصلی بازماندگی از تحصیل تأکید دارد، یافته‌های این پژوهش در بافت استان خراسان جنوبی نشان می‌دهد تعامل سه‌گانه فقر اقتصادی، محرومیت از حمایت‌های اجتماعی و چالش‌های فرهنگی چرخه‌ای معیوب ایجاد کرده است که خروج از آن تنها با مداخلات یک‌بعدی میسر نیست، همچنین اگرچه کارول^۳ (۲۰۱۶) بر ابعاد چهارگانه مسئولیت اجتماعی (اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه) تأکید دارد، مدل حاضر نشان می‌دهد در بافت مناطق محروم، بعد بشردوستانه به‌عنوان محور اصلی و تسهیل‌گر سایر ابعاد عمل می‌کند. این مدل، با معرفی نقش تسهیل‌گری آموزش و پرورش در توسعه کسب و کارهای اجتماعی، به‌طور مشخص به ادبیات نوظهور مسئولیت اجتماعی نهادهای آموزشی در خاورمیانه می‌افزاید که تاکنون به‌طور عمده بر نقش سنتی این نهاد متمرکز بوده است. در برابر این پدیده، آموزش و پرورش با اتخاذ رویکرد مسئولیت اجتماعی فعال بر اساس چارچوب کارول (۲۰۱۶) عمل می‌کند که در سه محور اصلی تجلی می‌یابد: حمایت‌های رفاهی شامل تأمین نیازهای اولیه، ارائه خدمات مشاوره‌ای و ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی؛ برنامه‌های آموزشی شامل اجرای برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر، توسعه زیرساخت‌ها و آموزش نیروی انسانی متخصص؛ مشارکت جامعه محلی شامل توانمندسازی خانواده‌ها، توسعه مشارکت‌های بین‌بخشی و جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد. اجرای موفقیت‌آمیز این راهبردها به دستیابی به پیامدهای چندبعدی منجر می‌شود که بر اساس مطالعه طولی جانسون و تامسون^۴ (۲۰۲۳) دارای بازدهی قابل توجهی است. در بعد آموزشی شامل کاهش نرخ ترک تحصیل، افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت و تقویت عدالت تربیتی؛ در بعد اجتماعی شامل کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود مهارت‌های زندگی و تقویت انسجام اجتماعی؛ در بعد فردی شامل بهبود سلامت و تغذیه، افزایش خودباوری و اعتماد به نفس و توسعه سرمایه انسانی که با پژوهش حاضر همراستا است.

مدل پژوهش دارای پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری، اجرا و پژوهش است از جمله ضرورت تدوین سند ملی مسئولیت اجتماعی آموزش و پرورش، ایجاد دبیرخانه ویژه کودکان محروم در آموزش و پرورش و انجام مطالعات طولی برای سنجش اثربخشی برنامه‌ها. به‌طور کلی، مدل حاضر چارچوبی جامع برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های حمایتی در استان خراسان جنوبی و سایر مناطق محروم کشور ارائه می‌دهد که می‌تواند به بهبود شرایط کودکان کار و دانش‌آموزان محروم منجر شود.

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که پدیده کودکان کار و محرومیت آموزشی در استان خراسان جنوبی در عوامل چندبعدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد. تحلیل داده‌های کیفی حاکی از آن است که فقر ساختاری، محرومیت از حقوق اساسی و زیست در محیط پرخطر از جمله مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری این پدیده محسوب می‌شوند. این یافته با مطالعات عباسی‌کلیمانی و همکاران (۲۰۲۳) و گزارش سازمان بین‌المللی کار^۵ (۲۰۲۱) همسو است که فقر اقتصادی را عامل اصلی در شکل‌گیری پدیده کودکان کار شناسایی کرده‌اند. از بعد نظری، یافته‌های این پژوهش نظریه سرمایه انسانی (Becker, 1993) را تأیید می‌کند که بر سرمایه‌گذاری آموزشی به‌عنوان عاملی کلیدی در توسعه اقتصادی تأکید دارد، همچنین این مطالعه نشان داد ارائه آموزش کیفی به

¹ World Health Organization

² Putnam

³ Carroll

⁴ Johnson & Thompson

⁵ International Labour Organization

کودکان محروم نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه پیش شرط تحقق عدالت ترمیمی در جامعه است که با نظریه عدالت اجتماعی (Rawls, 1971) در یک راستا قرار دارد، به علاوه چارچوب زیست بوم (Bronfenbrenner, 1979) به درک پیچیدگی تعامل عوامل مختلف در سطح خرد، میانی و کلان کمک می کند.

تحلیل مصاحبه های انجام شده نشان می دهد آموزش و پرورش استان با چالش های ساختاری متعددی در ایفای نقش اجتماعی خود مواجه است. کمبود بودجه و منابع مالی، ناکافی بودن زیرساخت های آموزشی و ضعف در هماهنگی بین دستگاهی از جمله موانع اصلی شناسایی شده در این پژوهش هستند. این یافته ها با مطالعات کاوه پیشه و همکاران (۲۰۲۳) و محمدی (۲۰۱۹) همخوانی دارد که بر چالش های مدیریتی و ساختاری آموزش و پرورش در مناطق محروم تأکید کرده اند. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که رویکرد فعلی آموزش و پرورش استان بیشتر واکنش پذیر بوده تا پیشگیرانه. به عبارت دیگر، مداخلات اغلب در پاسخ به مشکلات موجود طراحی می شوند تا در جهت پیشگیری از آنها. این در حالی است که مطالعات جهانی (Smith et al., 2022; UNICEF, 2022) نشان می دهد موفق ترین برنامه ها مبتنی بر رویکرد پیشگیرانه و سیستماتیک هستند.

نکته حائز اهمیت دیگر، ضرورت توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی خاص استان خراسان جنوبی است. یافته ها نشان می دهد برنامه های یکسان ساز سراسر کشور بدون در نظرگیری شرایط محلی، اثربخشی محدودی داشته اند. این موضوع لزوم بومی سازی برنامه ها و مداخلات آموزشی را نشان می دهد که با یافته های جانسون و تامسون (۲۰۲۳) همسو است.

در خاتمه می توان گفت که مسئولیت اجتماعی آموزش و پرورش در قبال کودکان کار و محروم نیازمند تحولی بنیادین در نگرش به نقش و مأموریت این نهاد است. آموزش و پرورش باید از نقش سنتی خود به عنوان نهاد صرفاً آموزشی فراتر برود و به عاملی فعال در تحول اجتماعی تبدیل شود. این تحول مستلزم بازتعریف مأموریت ها، بازطراحی ساختارها و تجهیز منابع انسانی و مالی است. تحقق این امر نه تنها به بهبود وضعیت کودکان محروم می انجامد، بلکه گامی اساسی در جهت تحقق عدالت آموزشی و توسعه متوازن منطقه ای خواهد بود.

مانند همه پژوهش ها این پژوهش نیز با محدودیت هایی روبه رو بود که لازم است در تفسیر نتایج مورد ملاحظه قرار گیرند:

- ۱) محدودیت جغرافیایی: مطالعه حاضر تنها در استان خراسان جنوبی انجام شده است، اگرچه یافته ها می تواند برای سایر مناطق محروم با بافت فرهنگی - اجتماعی مشابه الهام بخش باشد، قابلیت تعمیم پذیری آن نیازمند بررسی و تطبیق با شرایط هر منطقه است.
- ۲) حجم نمونه و دسترسی: با وجود دستیابی به اشباع نظری، حجم نمونه کیفی (۱۴ نفر) و به ویژه دشواری در دسترسی مستقیم و مصاحبه عمیق با خود کودکان کار به دلایل اخلاقی و حفاظتی، از دیگر محدودیت ها بود، بنابراین بخشی از داده های مرتبط با تجربه زیسته این کودکان از زبان والدین، معلمان و مدیران مدارس روایت شده است.
- ۳) ماهیت ادراکی داده ها: داده های کیفی این پژوهش به طور عمده بازتاب ادراکات و تجربیات ذهنی مشارکت کنندگان است و برای سنجش عینی اثربخشی راهبردهای پیشنهادی، انجام مطالعات کمی و طولی در آینده ضرورت دارد. بر اساس یافته ها و محدودیت های این پژوهش، مسیرهای زیر برای تحقیقات آینده پیشنهاد می شود:
- ۱) پژوهش های آمیخته: انجام مطالعات کمی با نمونه های بزرگ تر برای سنجش میزان شیوع هریک از موانع و راهبردهای شناسایی شده در سطح ملی.
- ۲) مطالعات طولی: طراحی پژوهش های طولی برای ارزیابی اثربخشی و پایداری راهبردهای پیشنهادی (مانند ایجاد شبکه های حمایتی محلی یا اجرای برنامه های آموزشی انعطاف پذیر) در گذر زمان.
- ۳) توسعه مدل: بومی سازی و آزمون مدل مفهومی حاضر در سایر استان های محروم با شرایط فرهنگی - اقتصادی متفاوت به منظور افزایش قابلیت تعمیم آن.
- ۴) تمرکز بر نقش های نوآورانه: انجام پژوهش هایی با محوریت الگوهای نوین تأمین مالی (مانند تأسیس صندوق های وقفی آموزشی) و سنجش نقش دقیق کسب و کارهای اجتماعی در کاهش فقر آموزشی و اقتصادی خانواده های کودکان کار.

References

- Abbasi, H., Mohammadi Naeeni, M., & Nateghi, F. (2024). Evaluating the effectiveness of elementary schools from the perspective of the document of fundamental transformation of education to provide the ideal model. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 15(3). (In Persian). <https://doi.org/10.30495/jedu.2024.31293.6274>
- Abbasikoleymani, A., Abbasian Arani, F., & Shahbazi, M. H. (2023). Child labor in Iran's family legal system in positive and negative dimension. *Biannual Journal of Family Law and Jurisprudence*, 28(79), 83–108. (In Persian). <https://doi.org/10.30497/flj.2023.244272.1887>
- Ali, M., Mustapha, I., Osman, S., & Hassan, U. (2021). University social responsibility: A review of conceptual evolution and its thematic analysis. *Journal of Cleaner Production*, 286, 124931. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.124931>
- Becker, G. S. (1993). *Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education*. University of Chicago Press.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*. Harvard University Press.
- Carroll, A. B. (2016). Carroll's pyramid of CSR: Taking another look. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 1(1). <https://doi.org/10.1186/s40991-016-0004-6>
- Danaeifard, H., & Emami, S. M. (2007). Strategies of qualitative research: A reflection on grounded theory. *Strategic Management Thought*, 1(2), 69–97. (In Persian). <https://doi.org/10.30497/smt.2007.104>
- Goudarzi, M., & Hoseyni Shokrabi, S. H. (2021). Design a model for the development of social responsibility of the Physical Education General Directorate of Payame Noor University. *Applied Research of Sport Management*, 9(4), 91–106. (In Persian). <https://doi.org/10.30473/arsm.2021.7623>
- International Labour Organization. (2023). *Global estimates of child labour: Results and trends*.
- Johnson, L., & Thompson, K. (2023). *Community schools: A framework for integrating social services*. Routledge.
- Kavehpisheh, F., Fathi Vajargah, K., Arefi, M., & Mobareki, M. H. (2023). Challenges and barriers to Entrepreneurship education for children of labor: A phenomenological study. *Journal of New Thoughts on Education*, 19(4), 47–67. (In Persian). <https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.35366.3289>
- Ministry of Education of Iran. (2021). *Report on the implementation of the school enthusiasm project* (In Persian).
- Ministry of Education of Iran. (2024). *Education statistics: Indicators of educational sustainability and persistence in different educational levels*. Center for Statistics and Information Technology. (In Persian).
- Mohammadi, F. (2019). *Strategies for supporting disadvantaged children in the Iranian educational system*. (In Persian). Educational Studies Research Institute Publications.
- Nazarian, A., Hematinejhad, M. A., & Benar, N. (2021). Designing the pattern for process analysis of Iranian sports products. *Journal of Sport Management and Development*, 10(4), 40–68. (In Persian). <https://doi.org/10.22124/jsmd.2019.12866.1997>
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- Rahimi, M., & Taghizade Ansari, M. (2024). The role of international organizations and documents in supporting working children in urban settlements from the perspective of international law. *Regional Planning*, 14(54), 64–80. (In Persian). <https://doi.org/10.30495/jzpm.2022.30728.4129>
- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Harvard University Press.
- Safizadeh, M., Fariborzi, E., & Naseri, N. S. (2025). Identifying and prioritizing factors shaping organizational learning with a social responsibility approach in the Social Security Organization of Mashhad. *Geography (Regional Planning)*, 15(58), 435–459. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2023.330072.3575>
- Skinner, J., Edwards, A., & Corbett, B. (2014). *Research methods for sport management*. Routledge.
- Smith, P., & Davis, M. (2022). Wrap-around services and student success: Evidence from urban schools. *Journal of Education for Students Placed at Risk*, 27(1), 45–67.
- Statistical Center of Iran. (2023). *National report on child labor in Iran*. (In Persian).
- UNESCO. (2022). *Reimagining our futures together: A new social contract for education*.

UNICEF. (2022). *Are children really learning? Exploring foundational skills in the midst of a learning crisis*.

World Health Organization. (2021). *Child labour and health: Evidence review*.

Yunus, M. (2010). *Building social business: The new kind of capitalism that serves humanity's most pressing needs*. PublicAffairs.